

### مقایسه تحرک اجتماعی مردان و زنان در شهر تهران (جامعه مورد مطالعه: شهروندان تهرانی بالای ۲۰ سال)

بهرام قدیمی<sup>۱</sup>

#### چکیده

در این تحقیق تحرک اجتماعی درون نسلی و میان نسلی زنان و مردان بر حسب عوامل مختلف در کلان شهر تهران مقایسه می شود. در این تحقیق انواع قدرت (اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نمادین) به عنوان مهمترین عوامل اجتماعی مرتبط با تحرک اجتماعی در نظر گرفته شده و در دو گروه زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفتند. روش تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه می باشد که در میان حجم نمونه ۱۰۵۴ نفر با روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در سال ۱۳۹۵ هجری شمسی انجام گرفته است. اعتبار صوری پرسشنامه با نظر متخصصان و روایی بخشی از پرسشنامه با آلفای کرونباخ مورد تأیید قرار گرفت. برای سنجش تفاوت ها از آزمون تی برای دو گروه مستقل استفاده شده است. نتایج تحقیق حاکی از میزان تحرک میان نسلی و درون نسلی صعودی بالا در بین شهروندان تهرانی می باشد. تحرک اجتماعی درون نسلی زنان کمتر از مردان مشاهده شد، اما تحرک اجتماعی میان نسلی زنان و مردان در شهر تهران تفاوتی نداشت. در این تحقیق قدرت اقتصادی، نمادین، اجتماعی و فرهنگی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری نداشت اما تنها قدرت سیاسی بود که مردان بیش از زنان از آن برخوردار بودند.

**واژگان کلیدی:** زنان، نابرابری جنسیتی، تحرک میان نسلی، تحرک درون نسلی، قدرت.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۰۸/۲۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۶/۲۵

<sup>۱</sup> دانشیار جامعه شناسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (Email: ghadimi.bahram@srbiau.ac.ir)

## مقدمه

ایران در قرن اخیر همسو با گسترش سطح آگاهی، نهادها و مؤسسات آموزشی و افزایش و همه گیر شدن سواد و ارتقاء سطح تحصیلات، افزایش نهادها و مؤسسات قانونی و مدنی، افزایش مؤسسات و سازمان‌های اداری و به تبع آن افزایش مشاغل به ویژه مشاغل اداری و دفتری و کاهش تمرکزگرایی دولت وارد فضای اجتماعی جدیدی شده که در آن تحرک اجتماعی امری پذیرفته شده است. تحرک اجتماعی به میزان جابجایی افراد و گروهها در مراتب قشر بندی و طبقات اجتماعی اطلاق می شود. براساس مطالعات تحرک اجتماعی، می توان تعیین کرد که تا چه اندازه ساختار قشر بندی و طبقات اجتماعی جامعه باز یا بسته است و افراد به چه میزان از فرصتهایی در آموزش، شغل، ثروت و منزلت اجتماعی برخوردارند (معصومی راد و نایی، ۱۳۹۲). یکی از مشکلات اصلی که در مطالعه جنسیت و قشر بندی در جوامع امروزی مطرح گردیده و معمولاً پیش پا افتاده به نظر می رسد میزان درک فرودستیهای جنسیتی در اجتماع بر اساس تقسیم بندی های طبقه ای است. فرودستی جنسیتی از نظر تاریخی بسیار ریشه دارتر از نظام طبقاتی هستند. به نظر فرانک پارکین، پایگاه زنان در مقایسه با پایگاه مردان در حوزه های مختلف زندگی اجتماعی، از جمله فرصتهای اشتغال، مالکیت دارایی، درآمد و مانند آن مسلماً عوامل نامساعد بسیاری به همراه دارد. اما این نابرابریها که در ارتباط با اختلافات جنسی است، عملاً به عنوان اجزاء تشکیل دهنده قشر بندی در نظر گرفته نمی شوند، علت آن این است که برای اکثریت عظیم زنان تخصیص پادشهای اجتماعی و اقتصادی اساساً به واسطه وضعیت خانواده هایشان و به ویژه، وضعیت رئیس مرد خانواده تعیین می گردد. اگرچه امروز زنان در ویژگیهای منزلتی معینی، صرفاً به علت جنسیتشان اشتراک دارند، ادعاهای آنان در مورد منابع اساساً به وسیله شغل پدران یا شوهرانشان معین می شوند. تنها اگر کاستیهای پایگاه زنان آنقدر مهم تصور می شد که از اختلافات طبقاتی فراتر رود واقع بینانه می بود که جنس را بعد مهمی از قشر بندی به شمار آوریم (گیدنز، ۱۳۸۳: ۲۵۸). امروزه زنان صرفاً به علت جنسیتشان از امتیازات منزلتی معینی برخوردارند. اما در واقع حقوقشان در برخورداری از این امتیازات صرفاً به وسیله شغل خود ایشان تعیین نشده، بلکه معمولاً بوسیله شغل پدران یا شوهرانشان تعیین می شود. دلفی معتقد است که جامعه شناسان نابرابری های شغلی طبقاتی را مسأله اصلی قلمداد نموده اند اما تحقیقات نشان می دهد که نابرابری جنسیتی مسئله اصلی و از نابرابری شغلی بنیادی تر است به این ترتیب فرودستی جنسیتی را نمی توان فرعی و از این رو کم اهمیت تر از ستم طبقاتی تلقی کرد. موقعیت جنس مؤنث در جهان سوم بدتر از همه جا می باشد. آنان نسبت به مردان قدرت و اختیارات کمتری دارند. بیشتر کار می کنند، اما دستمزد کمتری می گیرند و با این همه مسئولیت بیشتری دارند. در اغلب جامعه ها و حتی در جامعه صنعتی، مانند جامعه آمریکا، مردان و زنان به گونه های مختلف تربیت می شوند. تا چند دهه قبل، تنها فرد حقوق بگیر خانواده پدر بود و همه مسئولیتهای خانواده را به دوش می کشید. زنان، بنابر سنت، تشویق نمی شدند به تحصیلات دانشگاهی بپردازند. یا در شغل حساسی به کار اشتغال ورزند. اما پس از جنگ جهانی دوم، زنان در کشورهای صنعتی، مسئولیتهای تازه ای را برعهده گرفتند و همراه با این مسئولیتهای، علاقه شدیدی به دنبال کردن پیشه هایی که قبلاً اشتغال به آنها برای زنان ناممکن بود به وجود آمد (کوئن، ۱۳۸۹: ۲۶۶). بسیاری از جامعه شناسان اعتقاد دارند که نابرابری در هویت جنسی معلول تغییر ساختار های اقتصادی - اجتماعی جوامع و امری ناعادلانه است که مانع شکوفایی انسان می شود. اهداف توسعه هر جامعه ای پیاده کردن اصل عدالت و برابری است و برابری بدون برابری جنسیتی مفهومی بی مایه است (سیف الهی و رازقیان، ۱۳۸۷). در این مقاله آنچه برای ما اهمیت دارد مقایسه میزان تحرک اجتماعی در بین مردان و زنان تهرانی بالای ۲۰ سال بر حسب علل و عوامل این تحرک می باشد.

## مروری بر پیشینه تجربی

از محققان پیشگام در زمینه تحرک اجتماعی «پتیریم سوروکین»<sup>۱</sup> است. کار وی نخستین گزارش نظام یافته و جامع از تحرک اجتماعی است که همراه با مطالعات تطبیقی وی در سال ۱۹۲۷ منتشر شد. او در این پژوهش به این نتیجه دست یافت که در آمریکا فرصت‌های

تحرک صعودی سریع، خیلی محدودتر از آن است که افسانه‌های قومی آمریکایی نشان می‌دهند. اما از آنجا که این پژوهش نخستین پژوهش در حوزه تحرک اجتماعی بود، تکنیک‌هایی که سوروکین برای گردآوری داده‌هایش به کار برد، نسبتاً ابتدایی بودند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۲۴۴). تحقیقاتی که چهل سال بعد توسط پیتربلاو و اوتیس دادلی دانکن انجام شد، بسیار پیشرفته‌تر و جامع‌تر از پژوهش سوروکین بود. بلاو و دانکن اطلاعاتی را دربارهٔ یک نمونه سرتاسری شامل ۲۰۰۰۰ مرد گردآوری کردند، آنها نتیجه‌گیری کردند که تحرک عمودی در آمریکا زیاد است. اما تقریباً همهٔ این تحرک با موقعیت‌های شغلی افراد رابطه دارد. شاید مشهورترین مطالعهٔ بین‌المللی تحرک اجتماعی، مطالعه‌ای باشد که توسط سیمور مارتین لیپست و رینهارد بندیکس در سال ۱۹۶۵ انجام شده است. آنها داده‌های گردآوری شده از ۹ جامعهٔ صنعتی بریتانیا، فرانسه، آلمان غربی، سوئد، سوئیس، ژاپن، دانمارک، ایتالیا و آمریکا را با تأکید بر تحرک مردان از مشاغل یقه آبی به مشاغل یقه سفید تحلیل کردند. آنان در این پژوهش برخلاف فرضیه‌هایشان، هیچ‌گونه مدرکی حاکی از اینکه، آمریکا جامعه‌ای بازتر از جامعهٔ اروپا است، کشف نکردند. کل تحرک عمودی از مشاغل یقه آبی به یقه سفید در ایالات متحده آمریکا ۳۰ درصد و در جوامع دیگر بین ۲۷ و ۳۱ درصد متغیر بوده است. لیپست و بندیکس نتیجه‌گیری کردند که همهٔ کشورهای صنعتی در حال تجربهٔ تغییرات مشابهی از نظر گسترش مشاغل یقه سفید هستند و این جریان منجر به یک موج تحرک صعودی در ابعادی قابل مقایسه در همهٔ آنها گردیده است. پین و رابرتز<sup>۳</sup> نیز با مقیاس تحرک مطلق و تحرک نسبی، به بررسی تحرک اجتماعی پرداخته‌اند. آنها نتیجه گرفتند که انگلستان در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲، فرصت‌های تحرک بیشتری را در اختیار مردان قرار داده و به سوی یک جامعه باز حرکت کرده است. این روند سپس در سالهای میانی دهه نود کند شده و فرصت‌ها برای تحرک صعودی مردان کاهش یافته است (Payne and Roberts, 2002: 81). در بین کشورهای مورد بررسی، تفاوت در میزان تحرک اجتماعی مردان و زنان در دهه ۱۹۹۰، نسبت به دهه ۱۹۷۰ بسیار کم شده بود. به عبارت دیگر، اختلاف بین کشورها در میزان تحرک کمتر شده است که این موضوع به کاهش جمعیت کشاورزان در کشورهای مذکور مربوط است. برین از روندهای دیگری نظیر افزایش نیروی کار در بخش خدمات و کاهش مشاغل یدی یاد می‌کند که در دوره مورد بررسی، به وضوح مشخص است. برین در تحلیل وضعیت تحرک اجتماعی در کشورهای مذکور، از دو روند گذار یاد می‌کند که یکی گذار از جوامع کشاورزی به جوامع صنعتی و دیگری گذار از جوامع صنعتی به جوامع مابعد صنعتی است (Breen, 2004: 405). (ناییب و معصومی راد، ۱۳۹۰: ۵-۷).

علی اصغر مقدس در سال ۱۳۷۴ هجری شمسی، ساختار شغلی و تحرک اجتماعی در استان‌های فارس و کهگیلویه و بویراحمد در شهرهای شیراز و یاسوج را مورد مطالعه قرار داده است. نتایج تحقیق او نشان داد که در جامعهٔ شهری ایران، تحرک شغلی متداول است، لکن این تحرک، بیشتر بین نسلی و افقی است که بر اثر تغییر ساختار شغلی جامعه شهری ایران حاصل شده است. عامل مهم مؤثر در تحرک شغلی، وضع تحصیلی است. همچنین مقایسه دو شهر شیراز و یاسوج نشان می‌دهد که شیراز تحرک صعودی و در یاسوج تحرک افقی شایع‌تر است. به علاوه در شیراز، زنان بیشتر از مردان متکی به تحصیلات خود و همسران خود هستند. کاظمی پور در سال ۱۳۷۸ هجری شمسی در بررسی ساختار طبقاتی و چگونگی تحرک اجتماعی در شهر تهران نتیجه گرفت که شهر تهران به لحاظ ساختار طبقاتی، جامعه‌ای باز بوده، ولی میزان جابجایی و تحرک اجتماعی، فقط در حد یک طبقه بوده است. رضا معصومی راد در سال ۱۳۹۰، در بررسی عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرک اجتماعی نشان می‌دهد که در ایران به ویژه در شهر تهران تحرک اجتماعی بین نسلی و درون نسلی شامل بخش بزرگی از مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شده است. نتایج تحقیق او نشان می‌دهد که تحرک بین نسلی شایع‌تر از تحرک درون نسلی است و عامل اخلاق کار که در قالب عادت‌واره یا منش مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است بیشترین سهم و نقش را در تحرک اجتماعی افراد دارد. همچنین خانواده‌های طبقات بالا اخلاق کار ضعیفی را در فرزندان خود درونی کرده‌اند و برخلاف آن‌ها فرزندان متعلق به طبقات پایین واجد مقادیر بالاتری از ارزش‌ها، عادات و خلق و خوی معطوف به پیشرفت و ارتقا هستند. همین عامل باعث شده که تحرک اجتماعی چه درون نسلی و چه بین نسلی در بین فرزندان متعلق به طبقات

پایین شایع تر باشد و بخش وسیعی از افراد متعلق به این طبقات قادر شدند، منزلت شغلی خود را بهبود بخشند. در بررسی دقیق تر این مسئله مشخص گردید که فرزندان متعلق به طبقات پایین تر ارزش و بهای بیشتری به موفقیت، کار و تلاش، تحصیل دانش و حرفه و تخصص قائلند و در اثر گسترش امکانات آموزشی و فرصت‌های فرهنگی در جامعه توانسته‌اند به مدارج بالایی از سرمایه فرهنگی نیز دست یابند. همچنین میانگین اخلاق کار از طبقه پایین به سمت طبقه بالا، کم می‌شود. ایمانی در سال ۱۳۸۴، تحریک اجتماعی بین نسلی زنان را در شهر تهران مورد توجه قرار داد. وی تحریک اجتماعی زنان را با مقایسه سه نسل از زنان پاسخگویان، مادرانشان و دخترانشان انجام داد و نتیجه گرفت که نسل دختران نسبت به مادران و مادر بزرگها دارای تحریک اجتماعی صعودی بیشتر بوده‌اند. در این میان درآمد والدین مهمترین نقش را ایفا کرده، در حالیکه در نسل قبل تر سن ازدواج تأثیر بیشتری در تحریک اجتماعی زنان داشته است. [قرضا معصومی راد و هوشنگ نایی ۱۳۹۲]، مقاله عوامل اجتماعی مؤثر بر تحریک اجتماعی (شغلی) اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی انجام داده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان داد که در بین اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی تحریک اجتماعی بین نسلی و درون نسلی شامل بخش بزرگی از نمونه های مورد بررسی شده است. بین متغیرهایی چون جنسیت، قومیت، مذهب با تحریک اجتماعی درون نسلی رابطه معناداری به دست نیامد. تحریک بین نسلی در میان مردان و زنان، اهل سنت، شیعیان و همچنین اقوام مختلف تفاوت معناداری مشاهده شده و فرصت‌های تحریک شغلی پس از اشتغال برابر بوده و فرصت‌های نابرابر، مربوط به عوامل برون سازمانی و قبل از استخدام است. سیف‌اللهی و رازقیان در سال ۱۳۸۷ مقاله عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی: تهران بوده است) را منتشر کردند. این تحقیق باهدف بررسی ارزیابی چگونگی درک زنان از جنسیت و هویتشان که متأثر از عوامل گوناگون اجتماعی است می‌باشد و نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با افزایش سن، هویت جنسیتی زنان بیشتر تحت تأثیر روابط و مناسبات سرمایه داری می‌باشد. در مدل تحلیل مسیر در میان زنان ۳۰-۲۰ سال روابط و مناسبات سرمایه داری بالاترین تأثیر و ۴۰-۳۰ سال پدرسالاری بیشترین تأثیر را داشته است. دهنوی و سعیدفر در سال ۱۳۸۴ در مقاله خود به بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحریک اجتماعی در دختران دانشجو پرداخته‌اند، در این پژوهش تلاش شده که پیامدهای احساس نابرابری جنسیتی و به ویژه رابطه میان احساس نابرابری و انگیزه تحریک اجتماعی در میان دختران دانشجو بررسی شود. در این تحقیق از نظریه چافتز به عنوان نظریه ی اصلی پژوهش برای یافتن رابطه ی احساس نابرابری جنسیتی با انگیزه ی تحریک اجتماعی استفاده شده است. ۹۴/۹ درصد از دانشجویان احساس نابرابری بالا و خیلی بالا، ۹۸/۹ درصد انگیزه تحریک بالا و خیلی بالا داشتند. ۵۲ درصد از تغییرات انگیزه ی تحریک اجتماعی با احساس نابرابری تعیین می‌شود که خود دارای ۵ بعد است که به ترتیب تأثیر چنین است: احساس نابرابری سیاسی، احساس نابرابری حقوقی، احساس نابرابری اجتماعی، احساس نابرابری فرهنگی، احساس نابرابری اقتصادی.

### مبانی و چارچوب نظری تحقیق

در اندیشه مارکس، مالکیت بر ابزار تولیدی (دارایی مادی) و روابط و مناسبات تولید (لایه‌های عمده مشاغل)، دو شاخص با اهمیت برای سنجش تحریک و پایگاه اجتماعی و اقتصادی محسوب می‌شود. درآمد، مالکیت و ثروت و تحصیلات با تکیه بر نظریه مارکس ویر نیز شاخص با اهمیت برای سنجش پایگاه و تحریک می‌باشد. کارکردگرایی بطور اخص می‌خواهد اثبات کند که نابرابری ضروری و دارای کارکرد است. از نظر کارکردگرایی علت قشربندی اجتماعی در تمامی جوامع نیاز جوامع به تقسیم کار اجتماعی و اقتصادی است. با استنباط از مفهوم تقسیم کار دورکیم شغل شاخص مناسبی برای تعیین میزان تحریک اجتماعی و پایگاه می‌باشد. از نظر پارسونز هر فرد یا قشر اجتماعی که کارکردش بیشتر در جهت تحقق بخشیدن به ارزشهای جامعه باشد، در قشربندی اجتماعی رتبه بالاتری را نسبت به سایر اقشار تصاحب می‌کند و پاداش بیشتری می‌گیرد. از نظر او دارایی مادی مهمترین شاخص سنجش پایگاه اجتماعی اقتصادی و تحریک اجتماعی می‌باشد. ابن خلدون نیز شغل و ثروت را مورد تاکید قرار می‌دهد. از نظر وارنر شغل و از نظر دارندورف ثروت و دارایی از شاخص های پایگاه اقتصادی و اجتماعی هستند. بروس کوئن رتبه منزلت شغلی را ملاک سنجش تحریک اجتماعی میان نسلی می‌داند. **پیرو** بورديو، چهار شکل سرمایه را قائل است: اقتصادی (پولی، مالی، ثروت) فرهنگی (قدرت شناخت و

قابلیت استفاده از کالاهای فرهنگی (مانند امکان مصاحبه در تلویزیون برای فرد) اجتماعی (ارتباطات) نمادین (منزلت، حیثیت، قابلیت هایی که فرد در اختیار دارد). از نظر او این سرمایه ها کنشگران را در مبارزه برای کسب جایگاه در فضای اجتماعی قدرت (توانایی) می بخشد. طبقه از دید بوردیوگروههایی نیستند که به صورت واقعی و عینی تشکیل شده باشند، بلکه مجموعه ای از افراد است که نوع سرمایه و شرایط هستی و تربیتشان یکسان باشد. از نظر بوردیو نوع سرمایه هر گروه شرایط هستی و تربیت آنها را یکسان می کند و این زندگی یا هستی مشترک منجر به نگرش (ذائقه) و اعمال مشابه می شود (ملک، ۱۳۷۴: ۸۰). نظریه نابرابری بلوم برگ<sup>۱</sup>، نظریه ای مارکسیستی است. وی جایگاه زنان را نسبت به مردان در انواع مختلف جوامع از جوامع آغازین گرفته تا جوامع کاملاً پیچیده اواخر سده بیست شرح می دهد. لایه بندی جنسیتی بلوم برگ مبتنی بر میزان کنترل زنان بر ابزار تولید، و مقدار تخصیص مازاد تولیدی به آنان نسبت به مردان است. این کنترل بر منابع اقتصادی به زنان قدرت اقتصادی می دهد که این قدرت بر قدرت سیاسی، منزلتی و منابع دیگر لایه بندی تأثیر می گذارد. از دید بلوم برگ نابرابری جنسی در سطوحی مختلف وجود دارد: روابط مردان و زنان در خانوارها، اجتماعات محلی و دولتها.

بلوم برگ معتقد است که قدرت اقتصادی بوسیله آنچه که او آن را میزان تخفیف می نامد شکل می گیرد که در جریان آن قدرت زنان کاهش یا افزایش خواهد یافت. اگر مردان قلمروهای بزرگتری را در کنترل داشته باشند، این کنترل بر سطوح بزرگ، قدرت زنان را در خانوار از کاهش بیشتری هم برخوردار می کند. بنابراین، بیشتر زنان امکان داشتن قدرت اقتصادی را در سطوح بالای سازمان اجتماعی دارند و می توانند اشکال دیگری از قدرت (اجتماعی، فرهنگ، سیاسی و نمادین) را به دست آورند. و حتی کارهای اقتصادی کوچک آنها، باعث افزایش اقتدارشان در خانواده و نفوذشان در اجتماع می شود. بلوم برگ دو عامل را در دستیابی زنان به قدرت اقتصادی مؤثر می داند: نخست، ناگزیری استراتژیک از کار زنان است که عامل اصلی تقاضا برای کار زنان است و این ناگزیری زمانی افزایش می یابد که فعالیتهای زنان مهم دانسته شود. عامل دیگری که بر ظرفیت زنان برای دست یابی به قدرت اقتصادی تأثیر می گذارد، نظام خویشاوندی است. وی به سه بعد قوانین وراثتی، قانون اقامت خویشاوندی، قانون تبار و محدودیتهای زنان در این موارد اشاره می کند. بلوم برگ معتقد است هنگامی که روابط اشتراکی تولید پابرجا می شود و مردان و زنان به طور برابر در کار و دست آوردهای آن سهیم هستند، زنان از قدرت اقتصادی برخوردارند. اما کنترل مردان باعث می شود که لایه بندی طبقاتی گسترش یابد. در این شرایط اگر زنان بتوانند ثروت را انتقال دهند و یا کنترل کنند، توانایی شان در بدست آوردن قدرت اقتصادی تا حد زیادی کاهش می یابد. از دیدگاه وی، نابرابریها در سطوحی مختلف وجود دارد که نابرابری در توزیع قدرت، منزلت، دارایی و فرصتها برای دو جنس از آن جمله است. زنان در پایین نردبان لایه بندی عملاً هیچ امکانات مالی ندارند و زمانی موقعیت برای آنها خلق می شود که مردان و زنان به گونه ای برابر با هم شریک باشد. بنابراین قدرت اقتصادی، تأثیر زیادی بر توانایی های زنان در امور مختلف دارد. کوتاه اینکه اگر کار زنان به طور استراتژیک، ضروری باشد و اگر نظام خویشاوندی، وراثت و اکتساب دارایی را تسهیل کند و هم چنین اگر لایه بندی در سطح بالا به سود مردان نباشد، زنان در این صورت می توانند به قدرت اقتصادی دست یابند. بدون این قدرت اقتصادی برای زنان، لایه بندی جنسیتی بالا خواهد بود و تنها با وجود قدرت اقتصادی برای زنان است که نابرابری جنسیتی کاهش می یابد و امکان تحرک اجتماعی بر آنان فراهم می شود (دهنوی و معیفر، ۱۳۸۴: ۱۱). جورج ریتر معتقد است زنان و مردان نه تنها موقعیتهای متفاوتی در جامعه دارند، بلکه در موقعیتهای نابرابری نیز قرار گرفته اند. زنان در مقایسه با مردانی که در همان جایگاه اجتماعی زنان جای دارند، از منابع مادی، منزلت اجتماعی، قدرت و فرصتهای تحقق نفس کمتری برخوردارند. این جایگاه اجتماعی می تواند بر طبقه، نژاد، شغل، قومیت، دین، آموزش و ملیت و یا بر هر عامل مهم اجتماعی دیگری مبتنی باشد. او معتقد است این نابرابری از سازمان جامعه سرچشمه می گیرد (ریتر، ۱۳۷۴: ۴۷۳).

## فرضیات تحقیق

۱. به نظر می‌رسد تحرک اجتماعی درون و میان نسلی در دو گروه زنان و مردان تهرانی به یک اندازه نمی‌باشد.
۲. به نظر می‌رسد قدرت اجتماعی در دو گروه زنان و مردان تهرانی متفاوت است.
۳. به نظر می‌رسد قدرت اقتصادی در دو گروه زنان و مردان تهرانی متفاوت است.
۴. به نظر می‌رسد قدرت فرهنگی در دو گروه زنان و مردان تهرانی یکسان نیست.
۵. به نظر می‌رسد قدرت سیاسی در دو گروه زنان و مردان تهرانی تفاوت معناداری دارد.
۶. به نظر می‌رسد قدرت نمادین در گروه زنان بیشتر از مردان تهرانی می‌باشد.

## تعریف مفاهیم و متغیرها

**تحرک اجتماعی:** تحرک اجتماعی به معنای جابجایی افراد در پایگاه‌ها و قشرهای مختلف نظام سلسله مراتبی جامعه است. تحرک اجتماعی شامل دو متغیر جزئی تر تحرک میان نسلی و تحرک درون نسلی می‌باشد. به اعتقاد بروس کوئن، تحرک اجتماعی میان نسلی، مقایسه پایگاه اجتماعی پدر و مادر و فرزندان می‌باشد. بدین معنا که هرگاه پایگاه اجتماعی پاسخگویان در مقایسه با پایگاه اجتماعی پدر و مادرانشان به سمت صعودی و افزایشی باشد؛ آنگاه تحرک اجتماعی پاسخگویان از نوع صعودی خواهد بود. همچنین هرگاه پایگاه اجتماعی پاسخگویان در مقایسه با پدر و مادرانشان روند نزولی داشته باشند؛ آنگاه تحرک اجتماعی پاسخگویان از نوع نزولی بوده است. بدین معنا که انتقال پایگاه اجتماعی از پدران و مادران نسبت به فرزندان روند نزولی داشته است. با حساب پایگاه اجتماعی فرزند و پدر و مادر به مقایسه دو پایگاه زنان و مردان پرداخته می‌شود که این مقایسه به ما نوع تحرک اجتماعی میان نسلی صعودی و نزولی را نشان می‌دهد (کوئن، ۱۳۸۹: ۲۶۲). در تحرک میان نسلی پایگاه اجتماعی فرد با پدر یا مادرش یا برعکس پدر یا مادر با فرزندانش مورد مقایسه قرار می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۴: ۳۴۴). با توجه به اینکه سنجش همه شاخص‌های پایگاه اجتماعی به سادگی امکان پذیر نیست، معمولاً در تحقیقات مشابه با ملاک قرار دادن جایگاه و منزلت شغلی افراد، تحرک میان نسلی را اینگونه محاسبه کرده‌اند: (جایگاه کنونی فرد - جایگاه کنونی شغل والدین) + (مرتب و جایگاه شغلی فرد در آغاز زندگی شغلی - مرتبه و جایگاه شغلی والدین در آغاز زندگی شغلی). در این تحقیق نیز تحرک اجتماعی میان نسلی با روش منزلت شغلی محاسبه می‌شود. منزلت شغلی پاسخگو و پدر و مادر وی با استفاده از ساختار تفصیلی طبقه بندی مشاغل مرکز آمار ایران رتبه بندی شده و مورد سنجش قرار گرفته‌اند.

**قدرت اجتماعی:** به نظر وبر همه کسانی که از احترام یا منزلت اجتماعی مشابه و یکسانی برخوردارند دارای پایگاه یکسانی هستند. پایگاه برخلاف طبقه بستگی به قضاوت دیگران درباره منزلت فرد (چیزی که ابن خلدون آن را اشتهار به نیکی و صلاح می‌نامد) دارد (ملک، ۱۳۸۹: ۶۰). در این تحقیق قدرت اجتماعی از طریق شاخص‌های میزان ارتباطات خانوادگی و خویشاوندی فرد و خانواده پدری، گستره شبکه ارتباطی فرد و خانواده پدری، میزان اشتهار خانواده به نیکی و صلاح، میزان اشتهار فرد به نیکی و صلاح، اصل و نسب خانوادگی، مدت اقامت خانواده در تهران، بعد خانوار فرد و خانوار پدری، نوبت تولد فرد، محل تولد فرد و خانواده، وضع تأهل مورد سنجش قرار می‌گیرد.

**قدرت سیاسی:** از نظر وبر کلیه قدرت‌های غیراقتصادی و غیراجتماعی در قدرت سیاسی جمع می‌شوند. قدرت سیاسی معمولاً از طریق گروه سازمان یافته سیاسی اعمال می‌شود. توانایی در اعمال قدرت سیاسی نیز به حمایت و تأیید مردم نیاز دارد. قدرت سیاسی از طریق متغیر ایدئولوژی مذهبی فرد و خانواده و در ابعاد زیر مورد بررسی قرار می‌گیرد. میزان جانبداری از نظام جمهوری اسلامی در مقابل مخالفان داخلی و خارجی، میزان دفاع از ایدئولوژی حکومتی، وضع عضویت و تمایل فرد و خانواده به احزاب و گروه‌های سیاسی، وضع عضویت و میزان وابستگی فرد و خانواده به دیوان سالاری دولتی.

**قدرت فرهنگی:** بورديو و دارندورف از قدرت و سرمايه فرهنگي بحث به ميان آورده اند. بورديو سرمايه فرهنگي را قدرت شناخت و قابليت استفاده از کالاهای فرهنگي تعريف مي کند. از نگاه دارندورف قدرت تخصصي، فني و علمي افراد و گروهها که امکان نظارت و کنترل آنها را بر منابع اقتصادي و سياسي و اجتماعي فراهم مي آورد به معنای قدرت فرهنگي است.

منظور از قدرت فرهنگي در اين تحقيق برخورداري پدر و مادر پاسخگو از مهارت فني، اخلاق کار، برخورداري از علم و دانش بالايا توانايي فکري و برخورداري از تخصص بالا مي باشد .

**قدرت نمادين:** از نظر بورديو سرمايه نمادين امکانات و قابليتهاي است که به فرد توانايي غيرمادي و اقتصادي مي دهد تا به پيشرفتهاي اقتصادي و اجتماعي نائل شود. از نظر او منزلت، حيثيت و اخلاق کار قابليت هاي نماديني است که فرد در اختيار دارد(ملک، ۱۳۸۹: ۸۰). در اين پژوهش منظور از سرمايه نمادين اخلاق کار و مرجعيت فرهنگي است .

**قدرت اقتصادي:** در تعريف وبر و مارکس قدرت اقتصادي معنای مالکيت و دارايي مادي از قبيل سرمايه، ثروت مادي، پول، ابزار توليد، زمين، مسکن، لوازم و اشياء قيمتي و غيره مي باشد. در اين تحقيق دارايي موروثي و طبقه خانواده پدري بعنوان قدرت اقتصادي خانواده سنجيده مي شود.

### روش های پژوهش

روش مورد استفاده در اين تحقيق از نوع پيمائشي و تکنیک جمع آوري داده ها پرسشنامه محقق ساخته برای سنجش قدرت اقتصادي، اجتماعي، سياسي، فرهنگي و نمادي بوده است. جامعه آماري شامل تمام شهروندان ۲۰ سال به بالا در کلانشهر تهران مي باشند. حجم نمونه ۱۰۵۴ نفر است. شيوه نمونه گيري تحقيق، احتمالي و از نوع خوشه اي چند مرحله اي و واحد تحليل نيز فرد است. برای بدست آوردن ميزان روايي سؤالات پرسشنامه از آزمون آلفاي کرونباخ استفاده شده است، همچنين اعتبار صوري با مراجعه به داوران و کارشناسان بدست آمده است. در تجزيه و تحليل داده ها از آزمون مقايسه ميانگينهاي دو گروه مستقل (آزمون T) استفاده گرديده است.

### یافته های توصیفی

**توصيف نتايج سنجش تحرک اجتماعي:** در اين قسمت از تحقيق به بررسي نتايج سنجش ابعاد مختلف متغير تحرک اجتماعي پرداخته مي شود. اين ابعاد شامل اولين و آخرين شغل پاسخ دهندگان، اولين شغل و آخرين شغل پدر تاکنون، اولين شغل و آخرين شغل مادر تاکنون، قيمت خودرو مورد استفاده شهروندان، قيمت مسکن مورد استفاده شهروندان، ميزان تحصيلات، سطح زير بناي منزل مسکوني، ميزان هزينه و مخارج ماهيانه، سال اخذ مدرک و طبقه اجتماعي پاسخ دهندگان مي شود که به شرح زير مي باشد:

**اولين شغل پاسخ دهندگان،** ميانگين اين متغير ۴۵۷۹ از حداکثر نمره که ۹۳۲۰ مي باشد بدست آمده است با توجه به اينکه حداقل پاسخ ۱۱۰۰ و حداکثر پاسخ ۹۳۲۰ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه اي تبديل کرده ايم از ۹۲۳ نفر پاسخگو که به اين متغير پاسخ داده اند، ۷۰ نفر (۷٫۶ درصد) در حد خيلي پايين، ۷۸ نفر (۸٫۵ درصد) در حد پايين، ۹ نفر (۰٫۱ درصد) متوسط رو به پايين، ۲۵۹ نفر (۲۸٫۱ درصد) در حد متوسط، ۲۶۰ نفر (۲۸٫۲ درصد) متوسط رو به بالا و ۱۹۰ نفر (۲۰٫۶ درصد) در حد بالا و ۵۷ نفر (۶٫۲ درصد) در حد خيلي بالا قرار دارند. نتايج نشان مي دهد منزلت اولين شغل پاسخگويان در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

**شغل فعلي شهروندان،** ميانگين اين متغير ۴۳۴۰ از حداکثر نمره که ۹۳۲۰ مي باشد بدست آمده است با توجه به اينکه حداقل پاسخ ۱۱۰۰ و حداکثر پاسخ ۹۳۲۰ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه اي تبديل کرده ايم از ۹۸۰ نفر پاسخگو که به اين متغير پاسخ داده اند، ۴۷ نفر (۴٫۸ درصد) در حد خيلي پايين، ۷۷ نفر (۷٫۹ درصد) در حد پايين، ۱ نفر (۰٫۱ درصد) متوسط رو به پايين، ۳۱۰ نفر (۳۱٫۶ درصد) در حد متوسط، ۲۳۳ نفر (۲۳٫۸ درصد) متوسط رو به بالا و ۲۰۶ نفر (۲۱ درصد) در حد بالا و ۱۰۶ نفر (۱۰٫۸ درصد) در حد خيلي بالا قرار دارند. نتايج نشان مي دهد، منزلت شغل فعلي پاسخگويان در حد متوسط قرار دارد.

**اولین شغل پدر شهروندان**، میانگین این متغیر ۵۶۵۲ از حداکثر نمره که ۹۳۲۰ می باشد بدست آمده است با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۱۴۱۰ و حداکثر پاسخ ۹۳۲۰ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم از ۹۲۹ نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، ۱۶۸ نفر (۱،۱ درصد) در حد خیلی پایین، ۱۴۸ نفر (۱۵،۹ درصد) در حد پایین، ۱۹ نفر (۱۲،۸ درصد) متوسط رو به پایین، ۱۳۴ نفر (۱۴،۴ درصد) در حد متوسط، ۱۹۹ نفر (۲۱،۴ درصد) متوسط رو به بالا و ۱۲۲ نفر (۱۳،۱ درصد) در حد بالا و ۳۹ نفر (۴،۲ درصد) در حد خیلی بالا قرار دارند. نتایج نشان می دهد منزلت اولین شغل پدر پاسخگویان در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

**آخرین شغل پدر شهروندان**، میانگین این متغیر ۵۲۷۹ از حداکثر نمره که ۹۴۱۳ می باشد بدست آمده است با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۱۱۰۰ و حداکثر پاسخ ۹۴۱۳ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم از ۹۳۵ نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، ۱۳۸ نفر (۱۴،۸ درصد) در حد خیلی پایین، ۱۴۵ نفر (۱۵،۵ درصد) در حد پایین، ۱۹ نفر (۱۲،۷ درصد) متوسط رو به پایین، ۱۳۲ نفر (۱۴،۱ درصد) در حد متوسط، ۱۶۹ نفر (۱۸،۱ درصد) متوسط رو به بالا و ۱۳۴ نفر (۱۴،۳ درصد) در حد بالا و ۹۸ نفر (۱۰،۵ درصد) در حد خیلی بالا قرار دارند. نتایج نشان می دهد منزلت آخرین شغل پدر پاسخگویان، در حد متوسط رو به بالا قرار دارد.

**اولین شغل مادر شهروندان**، میانگین این متغیر ۴۹۳۷ از حداکثر نمره که ۹۳۲۰ می باشد بدست آمده است با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۱۴۱۰ و حداکثر پاسخ ۹۳۲۰ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم از ۱۰۳۱ نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، ۲ نفر (۲ درصد) در حد خیلی پایین، ۲۰ نفر (۱،۹ درصد) در حد پایین، ۶ نفر (۰،۶ درصد) متوسط رو به پایین، ۸۹۳ نفر (۸۶،۶ درصد) در حد متوسط، ۳۰ نفر (۲،۹ درصد) متوسط رو به بالا و ۷۰ نفر (۶،۸ درصد) در حد بالا و ۱۰ نفر (۱ درصد) در حد خیلی بالا قرار دارند. نتایج نشان می دهد منزلت اولین شغل مادر پاسخگویان در حد متوسط قرار دارد.

**آخرین شغل مادر شهروندان**، میانگین این متغیر ۴۹۲۲ از حداکثر نمره که ۹۳۲۰ می باشد بدست آمده است با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۱۴۱۰ و حداکثر پاسخ ۹۳۲۰ بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم از ۱۰۳۳ نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، منزلت ۴ نفر (۴ درصد) در حد خیلی پایین، ۱۸ نفر (۱،۷ درصد) در حد پایین، ۶ نفر (۰،۶ درصد) متوسط رو به پایین، ۸۹۱ نفر (۸۶،۳ درصد) در حد متوسط، ۲۸ نفر (۲،۷ درصد) متوسط رو به بالا و ۶۵ نفر (۶،۳ درصد) در حد بالا و ۲۱ نفر (۲ درصد) در حد خیلی بالا از منزلت برخوردار بودند. نتایج نشان می دهد منزلت آخرین شغل مادر پاسخگویان در حد متوسط قرار داشته است.

**قیمت خودرو مورد استفاده شهروندان**، میانگین این متغیر ۳۲۶۱۴۱۰۴/۸۸۲ تومان از حداکثر که ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان می باشد بدست آمده است، با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۵۰۰۰۰۰۰۰ تومان و حداکثر ۲۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم. از ۵۵۳ نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، قیمت خودروی ۴۴۷ نفر (۸۰،۸ درصد) در حد خیلی پایین، ۵۰ نفر (۹ درصد) در حد پایین، ۱۸ نفر (۳،۳ درصد) در حد متوسط رو به پایین، ۱۱ نفر (۳ درصد) در حد متوسط، ۶ نفر (۱،۱ درصد) متوسط رو به بالا، ۵ نفر (۰،۹ درصد) در حد بالا و ۱۶ نفر (۲،۹ درصد) در حد خیلی بالا خودرو داشته اند. بنابراین نتایج نشان می دهد، قیمت خودرو اکثر پاسخگویان در حد خیلی پایین قرار دارد.

**میزان تحصیلات شهروندان**، میانگین این متغیر ۱۳،۳ از حداکثر نمره که ۲۲ می باشد بدست آمده است، با توجه به اینکه حداقل پاسخ ۰ و حداکثر ۲۲ سال بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم. از ۱۰۵۴ پاسخگو که به متغیر میزان تحصیلات پاسخ داده اند، میزان تحصیلات ۳۱ نفر (۲،۹ درصد) در حد پایین، ۲۰ نفر (۱،۹ درصد) در حد پایین، ۱۱۰ نفر (۱۰،۴ درصد) در حد متوسط رو به پایین، ۲ نفر (۰،۲ درصد) در حد متوسط، ۴۰۷ نفر (۳۸،۶ درصد) در حد متوسط رو به بالا، ۳۸۳ نفر (۳۶،۳ درصد) در حد بالا و ۱۰۱ نفر (۹،۶ درصد) در حد خیلی بالا بوده اند. بنابراین نتایج نشان می دهد میزان تحصیلات پاسخگویان در حد بالا قرار دارد.



قیمت مسکن مورد استفاده شهروندان، میانگین این متغیر  $53486983/58$  تومان از حداکثر قیمت که  $200000000$  تومان می باشد، بدست آمده است، با توجه با اینکه حداقل پاسخ  $60000000$  و حداکثر  $200000000$  بوده، با استفاده از حداقل و حداکثر، داده ها را به رتبه ای تبدیل کرده ایم، از  $993$  نفر پاسخگو که به این متغیر پاسخ داده اند، قیمت مسکن  $446$  نفر ( $44,9$  درصد) در حد خیلی پایین،  $268$  نفر ( $27$  درصد) در حد پایین،  $102$  نفر ( $10,3$  درصد) متوسط رو به پایین،  $82$  نفر ( $8,3$  درصد) متوسط،  $15$  نفر ( $1,5$  درصد) متوسط رو به بالا،  $42$  نفر ( $4,2$  درصد) در حد بالا و  $38$  نفر ( $3,8$  درصد) در حد خیلی بالا بوده است. نتایج نشان می دهد، قیمت مسکن پاسخگویان در حد خیلی پایین قرار دارد.

#### توصیف نتایج سنجش عوامل مرتبط با تحرک اجتماعی

قدرت اجتماعی شهروندان، میانگین قدرت اجتماعی پاسخگویان  $6/6$  بدست آمده، که از  $715$  پاسخگو که به همه گویه های مربوط به قدرت اجتماعی پاسخ داده اند،  $16$  نفر ( $2,2$  درصد) یا از هیچ قدرت اجتماعی برخوردار نبودند و یا قدرت اجتماعی خیلی کمی داشتند.  $72$  نفر دارای قدرت اجتماعی کم،  $159$  درصد دارای قدرت اجتماعی متوسط،  $434$  نفر قدرت اجتماعی زیاد و  $36$  نفر نیز دارای قدرت اجتماعی خیلی زیادی بودند. بنابراین قدرت اجتماعی در حد زیاد می باشد.

قدرت سیاسی فرد و خانواده شهروندان، میانگین نمره  $5$  از حداکثر نمره که  $34$  بدست آمده است و از  $1054$  پاسخگو که به گویه های مربوط به قدرت سیاسی فرد و خانواده پاسخ داده اند،  $724$  نفر ( $68,7$  درصد) دارای قدرت سیاسی خیلی کم،  $202$  نفر ( $19,2$  درصد) در حد کم،  $82$  نفر ( $7,8$  درصد) متوسط،  $37$  نفر ( $3,5$  درصد) در حد زیاد و  $9$  نفر ( $9$  درصد) در حد خیلی زیاد از قدرت سیاسی برخوردار بوده اند. یعنی می توان گفت، قدرت سیاسی فرد و خانواده در حد خیلی کم قرار دارد.

سرمایه یا قدرت نمادین شهروندان، میانگین سرمایه یا قدرت نمادین پاسخگویان  $8$  از حداکثر نمره که  $16$  می باشد، بدست آمده و از  $952$  پاسخگو که به گویه های مربوط به سرمایه یا قدرت نمادین پاسخ داده اند،  $46$  نفر ( $4,8$  درصد) دارای سرمایه یا قدرت نمادین کم،  $883$  نفر ( $92,8$  درصد) میزان سرمایه یا قدرت نمادین متوسط و  $23$  نفر ( $2,4$  درصد) دارای میزان سرمایه یا قدرت نمادین بالا بوده اند. یعنی می توان گفت، سرمایه یا قدرت نمادین پاسخگویان در حد متوسط قرار دارد.

قدرت فرهنگی خانواده شهروندان، میانگین این متغیر نمره  $10$  از حداکثر نمره  $16$  می باشد بدست آمده و از  $99$  پاسخگو که به گویه های مربوط به این متغیر پاسخ داده اند،  $80$  نفر ( $8,8$  درصد) از سرمایه یا قدرت فرهنگی کم،  $19$  نفر ( $19,2$  درصد) از سرمایه یا قدرت فرهنگی زیاد برخوردار بوده اند. یعنی می توان گفت، سرمایه یا قدرت فرهنگی پاسخگویان در حد کم قرار دارد. از سوی دیگر باید توجه نمود که حدود نود درصد جمعیت مورد مطالعه به ابزار سنجش این متغیر پاسخ نداده اند.

قدرت اقتصادی خانواده پدري شهروندان، میانگین این متغیر  $3,4$  از حداکثر نمره که  $6$  می باشد، بدست آمده است طبق داده های تحقیق از  $1015$  پاسخگو که به گویه های مربوط به قدرت اقتصادی خانواده پاسخ داده اند،  $677$  نفر ( $66,7$  درصد) قدرت اقتصادی کم،  $312$  نفر ( $30,7$  درصد) قدرت اقتصادی متوسط و  $26$  نفر ( $2,6$  درصد) دارای قدرت اقتصادی زیادی بوده اند. در کل می توان گفت که قدرت اقتصادی در خانواده پدري پاسخگویان در حد کم وجود دارد.

وضعیت جنس نمونه مورد مطالعه: از  $1054$  پاسخگو  $519$  نفر ( $49,2$  درصد) زن و  $535$  نفر ( $50,8$  درصد) مرد بوده اند.

#### یافته های تحلیلی و استنباطی

در این بخش نتایج بدست آمده از پژوهش بر حسب انواع تحرک اجتماعی و بر حسب انواع عوامل مرتبط با آن در بین زنان و مردان کلانشهر تهران مورد مقایسه قرار می گیرد.

جدول (۱): آمار توصیفی تحرک اجتماعی میان نسلی

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین
-------	-------	-------	--------	---------

تحرك اجتماعى میان نسلى	۷۹۴	-۸	۱۲	۱/۷۰۶
------------------------	-----	----	----	-------

تحرك میان نسلى اینگونه محاسبه شده است: (جایگاه شغلى کنونى فرد - جایگاه شغلى کنونى والدین) + (مرتبه و جایگاه شغلى فرد در آغاز زندگى شغلى - مرتبه و جایگاه شغلى والدین در آغاز زندگى شغلى). با توجه به نتایج جدول، در شهر تهران تحرك اجتماعى میان نسلى وجود دارد و تحرك میان نسلى شهروندان در تهران از نوع تحرك صعودى است. میانگین نشان مى دهد که بطور متوسط هر شهروند حدود دو نمره از مجموع حداکثر ۱۲ نمره تحرك اجتماعى میان نسلى صعودى را بدست آورده است. اندازه تحرك اجتماعى درون نسلى در شهر تهران: همان گونه که قبلاً یادآورى شد تحرك درون نسلى فرد نیز این گونه محاسبه مى شود: مرتبه و جایگاه شغلى حاضر - مرتبه و جایگاه شغلى در شروع زندگى شغلى و حرفه اى.

جدول (۲): آمار توصیفى تحرك اجتماعى درون (بین) نسلى

متغیر	تعداد	حداقل	حداکثر	میانگین
تحرك اجتماعى درون نسلى	۹۰۴	-۵	۶	۰/۱۸

جدول (۳): مقایسه تحرك اجتماعى میان نسلى در بین مردان و زنان تهرانى

سنجش تفاوت تحرك اجتماعى میان نسلى در بین مردان و زنان تهرانى						
آزمون T			آزمون لیون برای برابرى واریانس ها			
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F (میزان لیون)	
۰/۱۴۳	۰/۵۸	۷۹۲	۰/۵۴	۰/۹۷	۰/۰۰	واریانس گروه های برابر و همگن
۰/۱۴۳	۰/۵۸	۷۸۲	۰/۵۴			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

نتایج جدول و آزمون آماری مقایسه میانگین های تحرك اجتماعى در خصوص تحرك میان نسلى حکایت از وجود همگن بودن و عدم تفاوت معنادارى بین میزان تحرك اجتماعى مردان و زنان در کلانشهر تهران دارد.

جدول (۴): مقایسه تحرك اجتماعى درون نسلى در بین مردان و زنان تهرانى

سنجش تفاوت تحرك اجتماعى درون نسلى در بین مردان و زنان تهرانى						
آزمون T			آزمون لیون برای برابرى واریانس ها			
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F (میزان لیون)	
-۰/۳۱	۰/۰۰	۹۰۲	-۴/۲۱	۰/۰۰	۵۵/۳	واریانس گروه های برابر و همگن
-۰/۳۱	۰/۰۰	۷۲۶	-۴/۱۴			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

نتایج جدول و آزمون آماری مقایسه میانگین های تحرك اجتماعى در خصوص تحرك درون نسلى حکایت از وجود ناهمگن بودن و تفاوت معنادارى بین میزان تحرك اجتماعى مردان و زنان به نفع مردان وجود دارد.

جدول (۵): مقایسه برخورداری از قدرت اجتماعى در بین مردان و زنان تهرانى

سنجش تفاوت قدرت اجتماعى میان مردان و زنان						
آزمون T			آزمون لیون برای برابرى واریانس ها			
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F (میزان لیون)	
-۰/۰۶	۰/۵۸	۷۱۳	-۰/۵۴	۰/۹۵	۰/۰۰	واریانس گروه های برابر و همگن
-۰/۰۶	۰/۵۸	۷۱۲	-۰/۵۴			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

طبق جدول فوق، واریانس گروهها برابر و همگن می باشد، و با توجه به سطح معنادارى آزمون  $t = ۰/۵۸$  شده است پس قدرت اجتماعى در دو گروه زنان و مردان تفاوت معنادارى ندارد.

جدول (۶): مقایسه برخورداری از قدرت اقتصادى در بین مردان و زنان تهرانى

سنجش تفاوت قدرت اقتصادى میان مردان و زنان						
---	--	--	--	--	--	--

آزمون T				آزمون لیون برای برابری واریانس ها		
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F(میزان لیون)	
-۰/۰۳	۰/۴۶	۱۰۱۳	-۰/۷۳	۰/۰۰	۱۱/۳	واریانس گروه های برابر و همگن
-۰/۰۳	۰/۴۶	۱۰۰۰	-۰/۷۳			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

واریانس گروه ها در این جدول نابرابر و ناهمگن می باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون  $t=۰/۴۶$  شده است پس قدرت اقتصادی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

جدول (۷): مقایسه برخورداری از قدرت فرهنگی در بین مردان و زنان تهرانی

سنجش تفاوت قدرت فرهنگی میان مردان و زنان						
آزمون T				آزمون لیون برای برابری واریانس ها		
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F(میزان لیون)	
-۰/۳۷	۰/۳۰	۹۷	-۱/۰۳	۰/۴۳	۰/۶۱	واریانس گروه های برابر و همگن
-۰/۳۷	۰/۳۲	۶۷	-۰/۹۹			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

طبق جدول فوق، واریانس گروهها برابر و همگن می باشد، و با توجه به سطح معناداری آزمون  $t=۰/۳۰$  شده است پس قدرت فرهنگی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

جدول (۸): مقایسه برخورداری از قدرت سیاسی در بین مردان و زنان تهرانی

سنجش تفاوت قدرت سیاسی میان مردان و زنان						
آزمون T				آزمون لیون برای برابری واریانس ها		
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F(میزان لیون)	
-۱/۳۴	۰/۰۰	۱۰۵۲	-۳/۳۵	۰/۰۰	۲۰/۳	واریانس گروه های برابر و همگن
-۱/۳۴	۰/۰۰	۱۰۳۴	-۳/۳۵			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

واریانس گروهها در این جدول نابرابر و ناهمگن می باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون  $t=۰/۰۰$  شده است پس قدرت سیاسی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری دارد و علامت منفی  $t$  به این معنا است که قدرت سیاسی در گروه اول که گروه زنان می باشد کمتر از گروه مردان است.

جدول (۹): مقایسه میزان برخورداری از قدرت نمادین در بین مردان و زنان تهرانی

سنجش تفاوت قدرت نمادین میان مردان و زنان						
آزمون T				آزمون لیون برای برابری واریانس ها		
Mean Difference	sig	df	t	Sig	F(میزان لیون)	
۰/۰۰	۰/۹۳	۹۵۰	۰/۰۸۷	۰/۱۴	۲/۱۰	واریانس گروه های برابر و همگن
۰/۰۰	۰/۹۳	۹۴۲	۰/۰۸۸			واریانس گروه های نابرابر و ناهمگن

واریانس گروهها در این جدول برابر و همگن می باشد و با توجه به سطح معناداری آزمون  $t=۰/۹۳$  شده است پس قدرت اجتماعی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری ندارد.

### بحث و نتیجه گیری پژوهش

در این تحقیق به مقایسه میزان تحرک اجتماعی میان نسلی و درون نسلی زنان و مردان در کلانشهر تهران پرداخته شده است همچنین عوامل مرتبط با تحرک اجتماعی که شامل پنج قدرت اجتماعی، سیاسی، نمادین، فرهنگی و اقتصادی می باشد در دو گروه زنان و مردان مورد مقایسه قرار گرفته است. نتایج این تحقیق نشان داد که در کلانشهر تهران تحرک اجتماعی میان نسلی و درون نسلی وجود دارد و تحرک میان نسلی و درون نسلی شهروندان در تهران از نوع تحرک صعودی است. نتایج این تحقیق دستاوردهای کاظمی پور (۱۳۷۲) و معصومی راد (۱۳۹۰) را پشتیبانی می کند. تحقیق کاظمی پور گزارش می دهد که ۶۱ درصد از مردان در شهر تهران وضع طبقاتی خود را تغییر داده اند. بر اساس تحقیق معصومی راد حدود ۵۰ درصد از شهروندان بالای سی سال در شهر تهران از

تحرك اجتماعی میان نسلی صعودی برخوردار بودند. در تهران تحرك اجتماعی بین نسلی نیز وجود دارد و تحرك بین نسلی شهروندان در تهران نیز از نوع تحرك صعودی است.

برای مقایسه بین تحرك اجتماعی (میان نسلی و درون نسلی) بر حسب جنس، از آزمون آماری (تی) مقایسه میانگین استفاده شده است که نشان می دهد، تحرك اجتماعی درون نسلی در بین زنان و مردان متفاوت است و تحرك درون نسلی به نفع مردان می باشد. تحرك اجتماعی درون نسلی در گروه زنان کمتر از گروه مردان می باشد. یعنی زنان تهرانی از تحرك اجتماعی درون نسلی (مرتبه و جایگاه شغلی حاضر فرد با تفاضل مرتبه و جایگاه شغلی در شروع زندگی شغلی و حرفه ای فرد) کمتری برخوردارند و جنسیت با نابرابری مرتبط است. این نتیجه نشان می دهد زنان در طول زمان اشتغال در مقایسه با مردان از فرصت کمتری برای تحرك برخوردارند و به مشاغل دلخواه بالاتری ارتقا نمی یابند. تحرك اجتماعی میان نسلی بر حسب جنسیت تفاوت معناداری ندارد. بر اساس این نتیجه در کلانشهر تهران چه زنان و چه مردان در مقایسه با نسل پیش از خود تحرك صعودی داشته اند و فرصت نسبی در اختیار هر دو جنس بوده است. همچنین در این تحقیق قدرت اقتصادی، نمادین، اجتماعی و فرهنگی در دو گروه زنان و مردان تفاوت معناداری نداشته است. نتایج تحقیق نشان می دهد هنوز در کلانشهر تهران مردان بیشتر از زنان از قدرت سیاسی برخوردارند و با توجه به ماهیت قدرت سیاسی، این نتیجه پیام مهمی برای وجود نابرابری در عرصه های دیگر را در بردارد.

## منابع

۱. ایمانی، الهه (۱۳۸۴). بررسی فرصتهای تحرك اجتماعی بین نسلی زنان در شهر تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه الزهراء، دانشکده علوم اجتماعی - اقتصادی.
۲. دهنوی، جلیل و معیدفر، سعید (۱۳۸۴). بررسی رابطه احساس نابرابری جنسیتی و انگیزه تحرك اجتماعی در دختران دانشجو، سال سوم، شماره هفتم.
۳. ریترز، جورج (۱۳۸۰). نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۴. سیف اللهی، سیف الله و رازقیان، آناهیتا (۱۳۸۷). عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران (مطالعه موردی تهران)، پژوهش نامه علوم اجتماعی، سال دوم، شماره سوم.
۵. کاظمی پور، شهلا (۱۳۷۸). الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد و سنجش تحرك اجتماعی با تکیه بر مطالعه موردی در شهر تهران، نامه علوم اجتماعی ۱۴: ۱۷۲ - ۱۳۹.
۶. کوئن، بروس (۱۳۸۹). مبانی جامعه شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی و رضا فاضل، انتشارات سمت.
۷. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳). جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۳). جامعه شناسی، منوچهر صبوری، تهران: انتشارات نی.
۱۰. معصومی راد، رضا (۱۳۹۰). عوامل فرهنگی مؤثر بر تحرك اجتماعی «مطالعه موردی در بین مردان ۳۵ تا ۶۴ ساله شهر تهران» رساله دکتری جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
۱۱. معصومی راد، رضا. نابی، هوشنگ (۱۳۹۲). عوامل مؤثر بر تحرك اجتماعی (شغلی) اعضای هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، فصلنامه راهبرد اجتماعی و فرهنگی، سال دوم، شماره هفتم.
۱۲. مقدس، علی اصغر (۱۳۷۴). بررسی تحرك طبقاتی و منزلت شغلی در شهر شیراز و بوشهر، رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
۱۳. ملک، حسن (۱۳۷۴). جامعه شناسی قشرها و نابرابری های اجتماعی، تهران، دانشگاه پیام نور.

1. Breen, Richard. 2004. Social Mobility in Europe. Oxford University Press.
2. Payne, G. and J. Roberts. 2002. Opening and Closing the Gates: Recent Developments in British Male Social Mobility. Sociological Research Online 6(4), <http://www.socresonline.org.uk/6/4/payne>. (Accessed May 2007).